

هر کدام از ما بر اساس به خدا را در می یابیم و حضورش را درک می کنیم.

پاسخ: «فطرت خویش»

۱- ما بر اساس فطرت الهی خویش، می دانیم که در چگونه جهانی زندگی می کنیم؟

جواب: در جهانی زندگی می کنیم که، آفریننده ای «حکیم» آن را هدایت و پشتیبانی می کند و به موجودات و مخلوقات مدد می رساند.

۲- آیا شناخت اولیه از جهانی که در آن زندگی می کنیم، کافی است توضیح دهید.

جواب: خیر، با وجود این شناخت اولیه و فطری، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر درباره خداوند فرا می خواند و راههای گوناگونی برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می دهد. یکی از این راهها، تفکر درباره نیازمند بودن جهان در پیدایش خود به آفریننده و خالق است.

۳- اگر به خودمان نظر کنیم، خود را پدیده «می یابیم با پدیدار؟» توضیح دهید.

پاسخ: خود را پدیده ای می یابیم که وجود و هستی مان از خودمان نیست. اگر در اشیای پیرامون خود نیز تأمل کنیم، آنها را همین گونه می بینیم؛ حیوانات، نباتات، جمادات، زمین، ستاره ها و کهکشان ها، همه را پدیده هایی می یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.

۴- پدیده ها - که وجودشان از خودشان نیست برای موجود شدن، نیازمند به چه کسی هستند؟

جواب: نیازمند به پدید آورنده‌های پدیداری هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد همان طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد، عبدالرحمان جامیه این معنا را در دو بیت چنین بیان می کند:

- ذات نیافته از هستی، بخش
- چون تواند که بود هستی بخش
- خشک آبری که بود ز آب تهی
- نباید از وی صفت آب دهی

۵- در آفرینش، یک موجود فقط در چه صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست؟ بنویسید

جواب: فقط در صورتی که «خودش ذاتا موجود باشد، در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدید آورنده نخواهد داشت؛ زیرا همواره بوده است و خواهد بود.

۶- ما و همه پدیده آورنده جهان در پدید آمدن و هست شدن خود به چه کسی نیازمند و محتاجیم؟

پاسخ: به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این موجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می شود.

۷- آیا رابطه «جهان» با «خدا» مانند رابطه بنا، با «مسجد» است توضیح دهید

جواب: اگر اندکی دقت کنیم، در می‌یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد، از مصالح ساختمانی مانند خاک، سنگ، گچ، چوب، کاشی و تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیاورده است. هر یک از این مصالح نیز خواصی دارند که با آن را ایجاد نمی‌کند. بنا، نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه سختی و استحکام سنگ را. به عبارت دیگر؛ بنا، نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا، فقط جابه‌جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ گچ چوب و خوص آن‌ها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس وجود و هستی بنا و نیز وجود مصالح و خواص آن‌ها همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند آن‌ها را از بین می‌برد و ساختمان متلاشی می‌گردد به همین جهت، جهان همواره و در هر آن به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع و یا کم نمی‌شود.

۸- در مقام مثال؛ رابطه «خداوند» با «جهان»، تا حدی شبیه کدام نوع رابطه است؟ بنویسید

جواب: رابطه «مولد» با «جریان برق» است؛ همین که «مولد» متوقف شود، «جریان برق» هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند.

بخش دوم سوالات دینی درس ۱ دوازدهم

۱- تفاوت مسجد و ساختمان را با پدیده‌ها و موجودات در مرحله پیدایش مقایسه نمایید

جواب: مسجد و ساختمان با ساخته شدن، از بنا، بی نیاز می شوند اما پدیده ها و موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائما با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می کنند.

۲- تفاوت انسانهای نا آگاه» و انسانهای «آگاه» نسبت به نیازهای دائمی به خداوند را بنویسید.

جواب: انسان های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، «بی توجه اند» اما انسانهای «آگاه»، دائما سایه لطف و رحمت خدا را احساس می کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می دانند

هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، چه نتایجی در پی خواهد داشت؟

جواب: نیاز به خدا را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را به او، بیشتر ابراز می کند.

افزایش خودشناسی -> درک بیشتر فقر و نیاز -> افزایش عبودیت و بندگی خداوند

۳- پیامبر گرامی ما با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می خواهد که برای یک لحظه همه لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند» کدام گزینه وافی مطلب است؟

- الف) اللهم لا تكلني إلى نفسي طرفة عين أبدا
- ب) الله نور السماوات والأرض
- ج) يا أيها الناس أنتم الفقراء إلى الله والله هو اللي الحميد

• (د) يسأله من في السماوات والأرض كل يوم هو في شأن

۴-قرآن کریم، رابطه میان «خداوند» و «جهان هستی را با چه کلمه ای بیان می کند بنویسید

جواب: با کلمه ای بیان می کند که در نظر اول برای ما شگفت انگیز می نماید. اما پس از قفگر حقیق، به معنای آن پی می بریم؛ قرآن کریم می فرماید: «اللَّهُ نور السماوات والأرض؛ خداوند، نور آسمانها و زمین است. ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و میدانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می شوند، یعنی منشأ مادی دارند.

۵-نور چیست؟

جواب: آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می شود، نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکار هستند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر می شوند.

۶-تور بودن خداوند» به چه معناست؟

جواب: خداوند، «نور هستی» است. یعنی تمام موجودات «وجود» خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و با به عرصه هستی می گذارند. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.

۷- آنان که به دقت و تامل در جهان هستی می نگرند در هر چیزی خدا را مشاهده می کنند و علم و قدرت او را می بینند، اگر از ما سؤال شود، کدام بیت مؤید مطلب بالاست، باید بگوییم: تمامی ابیات به جز بیت.....

- الف) دلی کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید، اول خدا دید
- ب) ما نبودیم و تقاضامان نبود لطف تو ناگفته ما میشنود
- ج) په صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا پنگرم دریا تو بینم
- د) به هر چا پنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم

۸- اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، چگونه قابل دسترسی و تحقق است بنویسید

جواب: این که انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخسته مشکل به نظر می آید اما هدفی قابل دسترس است به خصوص برای نوجوانان و جوانان که «پاکی و صفای قلبه دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

بخش ۳ سوالات درس ۱ دینی دوازدهم

- موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، چند دسته اند؟ آنها را بنویسید

جواب: دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخته ها قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانات، ستارگان و کهکشان ها؛ حتی کهکشان های بسیار بسیار دور هم ممکن است روزی مورد شناسایی واقع شوند و انسان بتواند ماهیت و ذات آنها را شناسایی کند. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد؛ زیرا همه

آنها اموری محدوده هستند. دسته دوم موضوعاتی هستند که «فامحدودند» و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است

۲- آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چپستی او را مشخص کرده توضیح دهید

جواب: ذات خداوند از موضوعات دسته دوم در شناخت قرار می گیرد، یعنی ذات خداوند، از موضوعات «نامحدوده است که ذهن ما گنجایش درک آن را ندارد به عبارت دیگر، لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است، در حالی که ذهن ما توانایی احاطه و دسترسی بر ذات و چپستی خداوند را ندارد. به دلیل محدود بودن ذهن خود، نمی توانیم فات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم.)

۳- چرا ذهن ما نمی تواند به حقیقت خداوند احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید؟

جواب: زیرا خداوند، حقیقتی «نامحدود» دارد؛ به عبارت دیگر، به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات خدای نامحدود را تصور و چگونگی وجودش را دریابیم.

۴- دو پیام برای حدیث پیامبر اکرم (ص) که در آن می فرماید: «فکروا فی کل شیء ولا تفکروا فی ذات الله» بنویسید

- جواب: ۱) ما می توانیم به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی ببریم و صفات و اسماء او را بشناسیم
- ۲) ما نمی توانیم ذات و چپستی خداوند را به دلیل محدود بودن ذهن خود، تصور کنیم.

